

ارزیابی دیدگاه ونزبرو در باب نشانه‌های نبوت

در کتاب «مطالعات قرآنی»*

فاطمه نجارزادگان**

فتح‌الله نجارزادگان***

چکیده

ونزبرو «رؤیت» و «معراج» را به عنوان نشانه‌های نبوت بر می‌شمرد و به تبع معراج، نمونه‌هایی از «اخبار الغیب» را نام می‌برد. وی با روش ادبی به بررسی متن قرآن و تطبیق آن با عهدین می‌پردازد و بن‌مایه مقوله‌های فوق را برگرفته از عهدین می‌داند. اثر حاضر مستندات ونزبرو از قرآن و عهدین را با روش تحلیلی، انتقادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از مجموع این بررسی‌ها به دست می‌آید که آیات مورد استناد ونزبرو در بحث رؤیت فرخنده جز در یک مورد بر این مسئله دلالت ندارند و ادعای وی درباره اقتباس فرازهای «أسری بعیده لیلاً» و «من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» (مربوط به رخداد معراج) و گزارش‌هایی با عنوان «اخبار الغیب» از عهدین با خطا همراه است.

کلید واژه‌ها: جان ونزبرو، کتاب مطالعات قرآنی، نشانه‌های نبوت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران / najjarzadehgan@gmail.com

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران / najjarzadegan@ut.ac.ir

مقدمه

کتاب *مطالعات قرآنی* اثر جان ونزبرو قرآن‌پژوه و استاد مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (soas) است که در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط انتشارات آکسفورد منتشر شد. این کتاب و اثر دیگر وی یعنی محیط فرقه‌ای به سبب روش و نوآوری‌های قابل توجه، چنان جایگاهی در میان خاورشناسان دارند که از آن دو به عنوان «نقطه عطف مطالعات تاریخ قرآن» (kara, ۲۰۱۸, p۲۰) و «طرح‌واره‌ای از مطالعات آینده اسلام» (Rippin, ۱۹۸۵, p۱۶۶) یاد کرده و اذعان نموده‌اند که هیچ محقق قرآنی یا مورخ صدر اسلام، نمی‌تواند روش و فرضیات ونزبرو را نادیده گیرد و بدون آشنایی با نظرات وی در موضوعات مرتبط اثری بنگارد. (Ullendorff, ۱۹۸۰, p ۱۳۷-۱۴۱, Graham, ۱۹۷۷, p۶۰۹-۶۱۲)

ونزبرو با تأکید بر استفاده مکرر قرآن از تصاویر توحیدی مسیحیت و یهودیت، اسلام را فرقه‌ای یهودی، مسیحی معرفی کرده است که در قالب دینی نوظهور با فرهنگ اعراب تطابق یافته و سعی در فراگیری و گسترش خود در جهان عرب داشته است. تحلیل ادبی او از کهن‌ترین متون اسلامی در حوزه تفسیر، حدیث، سیره و قرآن به این استنتاج تاریخی رسیده که همه این آثار، اواخر قرن دوم یا اوایل قرن سوم هجری و نه در حجاز، بلکه احتمالاً در عراق صورت‌بندی و تدوین شده‌اند.

گرچه شواهد تاریخی همچون وجود نسخه‌های خطی مصحف بیرمنگهام (حدود ۵۶۸-۶۴۵ م)^۱، مصاحف صنعا (پیش از ۶۶۱ یا ۶۴۶ میلادی یا بین سال‌های ۶۹۰-۶۴۵ یا ۶۶۹-۵۷۸ یا ۷۵۰-۶۹۰ م)، تاشکند، طوپ قاپی، لندن، قاهره (نیمه دوم قرن اول تا نیمه اول قرن دوم، ج ۳: ۱۸۷)، کتیبه‌های قبه الصخره (۶۸۸-۶۸۵ م)، نسخه‌های پایپروس قرآن (۷۴۱-۷۸۵ م) و نقوش سکه‌های برجای مانده از عصر عبدالملک بن مروان (۶۹۷-۷۵۰ م) دیدگاه ونزبرو را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند، اما نیاز به نقد درون متن دیدگاه‌های او به دلیل جایگاه آرای وی- همچنان احساس می‌شود.

گویا نثر دشوار (حتی برای انگلیسی‌زبان‌ها)، اصطلاحات غریب و پراکندگی در بیان، امکان نقد این کتاب را از محققان سلب کرده است، به همین دلیل تنها سه اثر برجسته به زبان فارسی به این امر پرداخته‌اند که یکی از آن‌ها ترجمه اثر ویلیام گراهام با عنوان *ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی و دو اثر دیگر*، مقاله «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن» و کتاب «خطاهای قرآن‌پژوهی جان ونزبرو ریشه‌ها و پیامدها» در این زمینه است که به نقدهای کلی یا ارزیابی مواردی خاص بسنده کرده‌اند.

۱. parchment of the Birmingham Quran manuscript.

اهمیت این کتاب به عنوان انجیل دوم و امتداد حضور نظریات ونزبرو در آثار شکاکان بعدی، نویسنده را برانگیخت تا در اثر حاضر بخش‌هایی از دیدگاه او درباره «نشانگان نبوت» را مورد مذاقه قرار دهد. بدین منظور مجموع آراء وی در سه عنوان اصلی «معراج»، «اخبار الغیب» و «رؤیت فرخنده» به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند و پس از ترجمه عبارات کتاب مطالعات قرآنی در قسمت بیان دیدگاه، ذیل عنوان ارزیابی به شرح و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. معراج

۱.۱. بیان دیدگاه ونزبرو

داستان معراج، همواره به آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱) ضمیمه می‌گردد. عبارت «أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا» که در صورت‌های کمی متفاوت برای توصیف خروج موسی عليه السلام از مصر به کار می‌رود (طه: ۷۷؛ شعرا: ۵۲؛ دخان: ۲۳) احتمالاً تصویر سفر خروج (۲۹: ۳۴-۱۲) را بازتاب می‌دهد. همسانی «عبد» و موسی افزون بر این آیه، از آیات بعدی نیز به دست می‌آید (اسراء: ۲) و اگر جزئیات نقاط سفر یعنی «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» در نظر گرفته نشود، اطلاق «عبد» بر موسی را تقویت می‌کند. عبارت «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» بر جابه‌جایی تصویر از هجرت موسوی به حرکت خلسه‌ای محمد صلى الله عليه وآله دلالت دارد و عروج ایشان را درون کانون قرآن جا می‌دهد. انتقال ناگهانی به واسطه روح خدا از مکانی به مکان دیگر در اصل در عهدین دیده می‌شود. (اشعیا: ۱؛ حزقیال، ۲: ۱۲؛ حزقیال، ۳: ۸، ۲: ۲؛ قرنتیان، ۱۲: ۴)

اهمیت مسجد الاقصی افزون بر این آیه، در سه سفر منقول در سنت نیز دیده می‌شود: «لاتشد الرحال الا الی ثلاثه مساجد» (تفسیر مقاتل ذیل آیه ۱: ۱۷). (Wansbrough, ۱۹۹۷, p۶۷-۶۹)

۲.۱. ارزیابی

ونزبرو با بررسی فرازهای «أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا» و «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» در آیه نخست سوره اسراء که به باور وی مربوط به داستان معراج‌اند، درصدد اثبات اقتباس هر دو عبارت از عهدین برمی‌آید. وی عبارت نخست را با خروج موسی و بنی اسرائیل از مصر که در سفر خروج به تفصیل بیان شده پیوند می‌دهد و عبارت دوم را با درون مایه انتقال ناگهانی به واسطه روح خدا از مکانی به مکان دیگر در کتاب‌ها اشعیا،

حزقیال و قرنیتیان مرتبط می‌سازد. سپس با استناد به روایت «لَاتَشْدُ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»، بر اهمیت مسجد الاقصی در سنت تأکید می‌ورزد و آن را مؤید اقتباس مذکور بر می‌شمرد. بر این اساس، امکان اقتباس دو فراز سوره اسراء مورد بحث قرار می‌گیرد و در ادامه به بررسی روایت مذکور پرداخته می‌شود.

۱. ۲. ۱. «اَسْرَى بَعْبِدَهُ لَيْلًا»

۱. ۲. ۱. ۱. شواهد مورد استناد ونزبرو

۱. بازتاب خروج موسی از مصر(ونزبرو به فرازهای آن در عهد عتیق اشاره نکرده است) در آیات

- «وَلَقَدْ أُوحِيَْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِيََادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ» (طه: ۷۷)؛

- «وَأُوحِيَْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِيََادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ» (طور: ۲۶)

- «فَأَسْرِ بِعِيََادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ» (دخان: ۲۳)

۲. بازتاب فرازهای

و واقع شد که در نصف شب، خداوند همه نخست‌زادگان زمین مصر را از نخست‌زاده فرعون که بر تخت نشسته بود تا نخست‌زاده اسیری که در زندان بود و همه نخست‌زاده‌های بهایم را زد. و در آن شب فرعون و هم بندگانش و جمیع مصریان برخاستند و نعره عظیمی در مصر برپا شد، زیرا خانه ای نبود که در آن میتی نباشد. و موسی و هارون را در شب طلبیده گفت: برخیزید و از میان قوم من بیرون شوید هم شما و هم جمیع بنی‌اسرائیل، رفته خداوند را عبادت نمایید چنان‌که گفتید. گله‌ها و رمه‌های خود را نیز چنان‌که گفتید برداشته بروید و مرا نیز برکت دهید. و مصریان نیز بر قوم الحاح نمودند تا ایشان را به زودی از زمین روانه کنند، زیرا گفتند ما همه مرده‌ایم. و قوم آرد سرشته خود را پیش از آنکه خمیر شود برداشتند و تگاره‌های خویش را در رخت‌ها بر دوش خود بستند. (خروج ۱۲: ۳۴-۲۹)

۱. ۲. ۱. ۲. بررسی امکان اقتباس

خروج موسی به همراه بنی اسرائیل، هجرتی در چهارچوب طبیعت، به امر خدا و برای نجات از ظلم فرعونیان بوده و با معراج پیامبر ﷺ که به صورت فراطبیعی و برای مشاهده آثار عظمت حق تعالی در سراسر جهان انجام شده (زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۵) در دو عنصر «ابزار» و «غایت» کاملاً متفاوت است. تنها تشابه این دو رخداد، تغییر

مکان و وقوع آن دو، هنگام شب است که به تنهایی هرگز نمی‌تواند این اقتباس را توجیه نماید.

۱.۲.۲. «من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى»

۱.۲.۲.۱. فرازهای مدنظر و نزیرو

۱. فراز دوازدهم فصل دوم کتاب حزقیال

۲. فراز کتاب اشعیا:

روّیای اشعیا ابن آموص که آن را درباره یهودا و اورشلیم، در روزهای عزّیا و یوتام و آحاز و حزقیال، پادشاهان یهودا دید. ای آسمان بشنو و ای زمین گوش بگیر، زیرا خداوند سخن می‌گوید. پسران پروردم و برافراشتم اما ایشان بر من عصیان ورزیدند... (اشعیا: ۱)

۳. فرازهای کتاب پادشاهان:

و واقع خواهد شد که چون از نزد تو رفته باشم، روح خداوند تو را به جایی که نمی‌دانم، بردارد و وقتی که بروم و به آخاب خبر دهم و او تو را نیابد، مرا خواهد کشت و بندهات از طفولیت خود از خداوند می‌ترسد. (اول پادشاهان، ۱۸: ۱۲)

و چون ایشان می‌رفتند و گفتگو می‌کردند، اینک ارابه آتشین و اسبان آتشین ایشان را از یکدیگر جدا کرد و ایلیا در گردباد به آسمان صعود نمود. (دوم پادشاهان، ۲: ۱۱)

۳. فرازهای کتاب حزقیال:

و شبیه دستی دراز کرده، موی پیشانی مرا بگرفت و روح مرا در میان زمین و آسمان برداشت و مرا در رویاهای خدا به اورشلیم نزد دهنه دروازه صحن اندرونی که به طرف شمال متوجه است برد که در آنجا نشیمن تمثال غیرت غیرت‌انگیز می‌باشد. (حزقیال، ۳: ۸)

و روح خداوند مرا برداشته، به دروازه شرقی خانه خداوند که به سوی مشرق متوجه است آورد. و اینک نزد دهنه دروازه بیست و پنج مرد بودند و در میان ایشان یازنیا ابن عَزُّور و قَلَطِیا ابن بنایا روسای قوم را دیدم. (حزقیال، ۱: ۱۱)

فرازهای کتاب قرنتیان:

شخصی را در مسیح می‌شناسم، چهارده سال قبل از این. آیا در جسم؟ نمی‌دانم! و آیا بیرون از جسم؟ نمی‌دانم! خدا می‌داند. چنین شخصی که تا آسمان سوم ربوده شد. و چنین شخص را می‌شناسم، خواه در جسم و خواه جدا از جسم، نمی‌دانم، خدا می‌داند که به فردوس ربوده شد و سخنان ناگفتنی شنید که انسان را جایز نیست به آن‌ها تکلم کند. (دوم قرنتیان، ۱۲: ۴)

۱. ۲. ۲. بررسی امکان اقتباس

فراز دوازدهم فصل دوم کتاب حزقیال (که وی از آن نام برده) وجود خارجی ندارد، زیرا این فصل مشتمل بر ده فراز است. فراز کتاب اشعیا هیچ دلالتی بر انتقال ناگهانی به واسطه روح خدا ندارد. فرازهای کتاب پادشاهان درباره ایلیا است و انتقال (جسم و روح) او در آیه نخست به منظور حفاظت از پادشاه ستم‌پیشه به مکانی نامعلوم و در آیه دوم برای انجام فرمان الهی به بیت ئیل (اریحا) واقع در اطراف رود اردن) بوده است. فرازهای کتاب حزقیال در رؤیای حزقیال به وقوع پیوسته و انتقال (روحانی) او با هدف آگاهی از گناهان بنی اسرائیل و دریافت پیام خدا برای اعلام به ایشان، به ترتیب به دهنه دروازه صحن اندرونی بیت المقدس به طرف شمال، دروازه شرقی بیت المقدس به سوی مشرق و صحن اندرونی آن بوده است. فرازهای کتاب قرن‌تیان از مکاشفات پولس و انتقال جسم یا روح وی به آسمان سوم (بهشت) سخن می‌گویند.

در مجموع می‌توان گفت که گرچه اصل جابجایی از مکانی به مکان دیگر در فرازهای فوق مشابه انتقال پیامبر ﷺ در شب معراج از مسجد الحرام به مسجد الاقصی است، اما ماهیت و کیفیت انتقال، هدف، مبدأ، مقصد و مشاهدات صورت گرفته ارمیا، حزقیال و پولس با حضرت محمد ﷺ تفاوت قابل توجهی دارند.

۱. ۲. ۳. روایت «لا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»

۱. ۲. ۳. ۱. بررسی استناد و نزبرو به روایت فوق به عنوان مؤیدی بر جایگاه مسجد الاقصی در سنت اسلامی

از نظر سندی ناقلان اصلی این روایت که در منابع مهم حدیثی اهل سنت همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند احمد بن حنبل، مسند دارمی، سنن ابی داوود و سنن ترمذی گزارش شده است، تنها ابوهیریه و ابوسعید خدری هستند. در طبقه تابعان سعید بن مسیب، ابی سلمه، ابی بصره غفاری و سلیمان اغر از ابوهیریه و شهر بن حوشب و قزعه از ابو سعید خدری نقل کرده‌اند.

از لحاظ محتوایی با اینکه اختلافات جزئی در ساختار و واژه‌پردازی متن همچون تفاوت در کاربرد ساختارهای سلبی یا ایجابی، حصر با «لا» و «الّا» یا «انّما» یا عدم حصر، اشاره به مسجد مکه با عنوان مسجد الحرام یا مسجد الکعبه، ذکر مسجد اورشلیم (بیت المقدس) با نام مسجد الاقصی یا مسجد ایلیا دیده می‌شود، اما چهار صورت ذیل، مضمون مشترک این گزارش‌ها هستند:

«لَا يَنْبَغِي لِلْمَطِيِّ أَنْ تُشَدَّ رِجَالُهُ إِلَّا إِلَى مَسْجِدٍ يُبْتَغَى فِيهِ الصَّلَاةُ غَيْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا»؛

- «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَ الْمَسْجِدِ الْإِلَهِيِّ»؛

- «إِنَّمَا يُسَافِرُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ، وَ مَسْجِدِي وَ مَسْجِدِ إِبِلِيَّا»؛

- «تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ».(احمدبن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۱۱۶؛ ج ۱۶: ۳۰۲ و

۳۹۶؛ ج ۱۷: ۹۱؛ ج ۱۸: ۸ و ۱۵۲؛ ج ۴۵: ۴۰۶؛ دارمی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۸۹۱؛ بخاری،

۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۲۱ و ۳۲۴؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۹۷۶؛ ابی داود، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۸۶۸؛

ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۱۸)

البته همین حدیث با قالب بسیار مشابه در منابع شیعی از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده و آن حضرت به جای مسجد الاقصی، از مسجد کوفه نام برده است: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ».(صدوق، ۱۳۶۲،

ج ۱: ۱۴۳؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۳۱)

محمد تقی مجلسی در شرح این روایت می نویسد:

الظاهر أن الحصر حقیقی بالنظر إلى المساجد و لا یشد إلى غیرها حتی المسجد

الأقصى كما روی عنه صلوات الله علیه أنه منع رجلا أراد الأقصى و قال له لازم

مسجد الكوفة و ذکر له فضلا كثيرا.(مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۹۵)

بر این اساس، «مسجد الاقصی» در گزارش ابوهیریه و ابوسعید خدری با تردید روبه‌رو

می‌شود. به ویژه آنکه «مسجد الاقصی» از اماکن مقدس یهودیان است و مقدسات یهود

گاه در قالب اسراییلیات به روایات اسلامی راه یافته است.(عبدالرزاق، بی تا، ج ۵: ۱۱۵؛

ارزقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۲؛ عسقلانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴: ۲۷۴)

۲. اخبار الغیب

۲. ۱. بیان دیدگاه ونزبرو

گزارش پیوست شده به آیه نخست سوره اسرا نشان می‌دهد که قریش از سفر شبانه

محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ متحیر شدند و او را با بیان اوصاف کاروانشان که در آن زمان از مکه به شام

باز می‌گشت، آزمودند. محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز با شرح ویژگی‌های کاروان قریش و جزئیات شتر

پیشگام آن، پیش‌بینی نمود که این کاروان در صبح آینده به مکه خواهد رسید. احتمال

گزارش مذکور بر دلایل النبوه نشان می‌دهد که آن، با انبوه معیارهای متمایز کننده پیامبر

حقیقی از مدعی دروغین همچون تحقق پیش‌بینی(تثبیه، ۲۲: ۱۸) تلیفیک شده است؛ البته

«اخبار الغیب» به این گزارش منحصر نمی‌شود و بیان انتخاب حیوان به عنوان عامل

الهی، تعیین حد مجازات زنا و پرهیز از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها نمونه‌های

دیگری از آن هستند.

اخبار از انتصاب حیوان به عنوان عامل الهی در جریان حدیبیه دیده می‌شود که محمد ﷺ توقف و عبور دشوار شتر از اطراف حرم مکه را به نیروی بازدارنده شتر از حرکت تعبیر نمود. درون مایه انتصاب حیوان به عنوان ابزار اراده الهی از عهدین گرفته شده است (اعداد، ۲۲: ۳۵-۲۲). هرچند استیباط محمد ﷺ از واکنش شتر که آن را برای اصحاب متحیر خود توضیح داد از چنین انتصابی اهمیت بیشتری دارد.

تعیین حد مجازات زنا در جریان مواجهه محمد ﷺ با خاخام‌های مدینه دیده می‌شود که وی با هدف اثبات نبوت و تفوق خود در فقه (حکم سنگسار)، آن‌ها را به بحث درباره حد مجازات زنا فراخواند. طبق یک نقل، از عبدالله بن صوریا خواست تا مجازات سنگسار را که در تورات بیان شده بپذیرد و طبق گزارش دیگر، عبدالله بن سلام (یهودی مسلمان‌شده) خدعه خاخام یهودی - که نام او در تاریخ بیان نشده - را فاش ساخت و در گفتگوی با محمد ﷺ متن مربوطه را در شریعت موسوی نشان داد.

صحنه‌سازی مواجهه محمد ﷺ با خاخام‌های یهودی از دو گزینه فراروی محمد ﷺ یعنی انتخاب مجازات شلاق و تبعید (به عنوان پادشاه) یا سنگسار (به عنوان پیامبر) حکایت می‌کند و درون مایه «کیفر زانی» در انجیل یوحنا را بازتاب می‌دهد (یوحنا، ۱: ۸) با این تفاوت که عیسی علیه السلام شریعت موسوی را ابطال نمود و محمد ﷺ آن را احیا کرد: «فانا اول من احيا امر الله و كتابه و عمل به»، تا آن را از اهمال متولیان بی‌ایمان نجات دهد. درون مایه متداول چنین گزارش‌هایی، اثبات عمومی پیامبر راستین است که به سختی خارج از سنت یهودی اهمیت می‌یابد.

پرهیز محمد ﷺ از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها، مبتنی بر خوراکی‌های حرام است و تبعیت از شریعت موسوی (لاویان، ۱۷: ۷) را نشان می‌دهد. احکام خوراکی‌های حلال و حرام در اسلام مشابهتی با اناجیل همنوا (مرقس، ۷: ۲۳-۱۴) یا آموزه‌های پولس (به طور مجازی یا تمثیلی، قرتیان: ۸) ندارد، بلکه همانند تعالیم رسولان (مبلغان) مسیحی به نومسیحیان (اعمال رسولان، ۱۵: ۲۰ و ۲۸-۲۹) است. بازتاب فرهنگ اعراب بت‌پرست نیز در احکام مربوط به خوراکی‌ها همچون اشاره خاص به بت‌ها در آیه «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْآنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (۲۲: ۳۰) دیده می‌شود. (Wansbrough, ۱۹۹۷, p ۶۹-۷۱)

۲.۲. ارزیابی

و نزبرو به بیان گزارش تحقق پیش‌بینی پیامبر ﷺ درباره کاروان قریش که مرتبط با داستان معراج و نمونه‌ای از اخبار الغیب است، می‌پردازد و به تبع آن نمونه‌های دیگری

از اخبار الغیب را برمی‌شمرد و هر یک را با فرازهایی از عهدین پیوند می‌دهد تا فرضیه اقتباس را تقویت نماید. برای نمونه به ترتیب گزارش‌های تحقق پیش‌بینی پیامبر ﷺ درباره کاروان قریش را با سفر تنبیه، اخبار از انتصاب شتر به عنوان عامل الهی در جریان حدیبیه را با سفر اعداد، تعیین حد مجازات زنا هنگام مواجهه با خاخام‌ها را با انجیل یوحنا و پرهیز از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها را با سفر لویان و کتاب‌های مرقس، اول قرنتیان و اعمال رسولان مرتبط می‌سازد. از این رو مواردی که وی با عنوان «اخبار الغیب» از آن‌ها نام می‌برد در ادامه بررسی می‌گردند تا صحت و سقم ادعای وی روشن شود.

۲. ۱. ۲. ۱. تحقق پیش‌بینی (پیش‌بینی پیامبر ﷺ درباره جزئیات شتر پیش‌گام...)

۲. ۱. ۲. ۱. گزارش مورد استناد ونزبرو

فَقَالَ لَهُمْ وَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ أَنَّ الْعَيْرَ تَطْلُعُ عَلَيْكُمْ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يَقْدُمُهَا جَمَلٌ أَحْمَرٌ، فَلَمَّا أَصْبَحُوا وَ أَقْبَلَ يَنْظُرُونَ إِلَى الْعَقَبَةِ وَ يَقُولُونَ هَذِهِ الشَّمْسُ تَطْلُعُ السَّاعَةَ فَبَيَّنَاهُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَتِ الْعَيْرُ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يَقْدُمُهَا جَمَلٌ أَحْمَرٌ. (تفسیر قمی، ج ۲: ۱۳)

طبق این نقل حضرت محمد ﷺ زمان رسیدن کاروان را که پیش‌گام آن شتری قرمز رنگ بود، هنگامه طلوع خورشید پیش‌بینی نمود که با واقعیت کاملاً تطابق داشت.

۲. ۱. ۲. ۲. فرازهای سفر تنبیه (مدنظر ونزبرو)

انبیایی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد. و اما انبیایی که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم، یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود. هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد این امری است که خداوند نگفته است، بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است، پس از او نترس. (تنبیه ۱۸: ۲۲-۱۵)

۲. ۱. ۲. ۳. تطبیق و بررسی امکان اقتباس

گزاره‌های عهد عتیق بر اصل تحقق پیش‌بینی دلالت دارند، اما میان آن‌ها و گزارش مدنظر ونزبرو وجوه تمایزی دیده می‌شود که اقتباس را باطل می‌سازد، زیرا در عهد عتیق سخن از عدم تحقق پیش‌بینی نبی به سبب گفتن آن از سر تکبر او است، اما در این

گزارش، پیش‌بینی رسول خدا ﷺ به وقوع پیوسته است. افزون بر آن، مقام نبی در اسلام میراً از هرگونه رذایل اخلاقی همچون تکبر است و تمامی مذاهب اسلامی جز حشویه- ارتکاب گناه کبیره عمدی بعد از بعثت را جایز نمی‌دانند. (تفتازانی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۱؛ ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۹۳؛ سید مرتضی، ۱۲۵۰ق: ۲؛ ابن میثم بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۵؛ علامه حلی، ۱۳۶۳: ۱۹؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۸؛ ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۳: ۴۲۶؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۸)

۲.۲.۲. انتخاب حیوان به عنوان عامل الهی

۲.۲.۲.۱. گزارش مورد استناد ونزبرو

۱. گزارش ابن هشام:

حتى إذا سلک، فی ثنیة المرار برکت ناقته، فقالت الناس: خلأت الناقة، قال: ما خلأت و ما هو لها بخلق، و لكن حبسها حابس الفیل عن مکة. لا تدعونی قریش الیوم إلى خطّة یسألونی فیها صلة الرحم إلا أعطیتهم إیها» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۰)

۲. گزارش ابن اسحاق

و سار رسول الله صلی الله علیه و سلم، فلما دنا من الحدیبیة وقعت ید راحلته علی ثنیة تهبطه علی غائط القوم، فبرکت راحلته فقال المسلمون: حل! حل! فأبت أن تنبت فقالوا: خلأت القصواء! فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم: إنها ما خلأت، و لا هو لها بعادة، و لكن حبسها حابس الفیل. أما و الله لا یسألونی الیوم خطّة فی تعظیم حرمة الله إلا أعطیتهم إیها. (ابن اسحاق، بی‌تا، ج ۲: ۵۸۷)

طبق دو نقل این گزارش در سیره ابن‌هشام و ابن‌اسحاق زمانی که مسلمانان به ثنیة‌المرار (منزلگاه حدیبیه) رسیدند، شتر پیامبر ﷺ از رفتن باز ماند. همراهان گفتند: شتر واماند، اما رسول خدا ﷺ فرمود: باز نماند، بلکه آن کس که از رفتن فیل به سوی مکه جلوگیری کرد، شتر را نیز از رفتن باز داشت.

۲.۲.۲.۲. فراهای سفر اعداد (مدنظر ونزبرو)

و غضب خدا به سبب رفتن او افروخته شده، فرشته خداوند در راه به مقاومت وی ایستاد، و او بر الاغ خود سوار بود، و دو نوکرش همراهش بودند. و الاغ، فرشته خداوند را با شمشیر برهنه به دستش، بر سر راه ایستاده دید. پس الاغ از راه به

یک سو شده، به مزرعه‌ای رفت و بلعام، الاغ را زد تا او را به راه برگرداند. پس فرشته خداوند در جای گود در میان تاکستان بایستاد و به هر دو طرفش دیوار بود. و الاغ فرشته خداوند را دیده، خود را به دیوار چسبانید و پای بلعام را به دیوار فشرد. پس او را بار دیگر زد. و فرشته خداوند پیش رفته، در مکانی تنگ بایستاد که جایی به جهت برگشتن به طرف راست یا چپ نبود. و چون الاغ، فرشته خداوند را دید، در زیر بلعام خوابید و خشم بلعام افروخته شده، الاغ را به عصای خود زد. آن‌گاه خداوند دهان الاغ را باز کرد که بلعام را گفت: به تو چه کرده‌ام که مرا این سه مرتبه زدی؟ بلعام به الاغ گفت: از این جهت که تو مرا استهزا نمودی! کاش که شمشیر در دست من می‌بود که الان تو را می‌کشتم. الاغ به بلعام گفت: آیا من الاغ تو نیستم که از وقتی که مال تو شده‌ام تا امروز بر من سوار شده‌ای؟ آیا هرگز عادت می‌داشتم که به این‌طور با تو رفتار نمایم؟ او گفت: نی. و خداوند چشمان بلعام را باز کرد تا فرشته خداوند را دید که با شمشیر برهنه در دستش، به سر راه ایستاده است. پس خم شده، به روی درافتاد. و فرشته خداوند وی را گفت: الاغ خود را این سه مرتبه چرا زدی؟ اینک من به مقاومت تو بیرون آمدم، زیرا که این سفر تو در نظر من از روی تمرد است و الاغ مرا دیده، این سه مرتبه از من کناره جست و اگر از من کناره نمی‌جست، یقیناً الان تو را می‌کشتم و او را زنده نگاه می‌داشتم. بلعام به فرشته خداوند گفت: گناه کردم زیرا ندانستم که تو به مقابل من در راه ایستاده‌ای. پس الان اگر در نظر تو ناپسند است برمی‌گردم. فرشته خداوند به بلعام گفت: همراه این اشخاص برو، لیکن سخنی را که من به تو گویم، همان را فقط بگو. پس بلعام همراه سروران بالاق رفت. (اعداد، ۲۲: ۳۵-۲۲)

۲.۳.۲.۳. تطبیق و بررسی امکان اقتباس

از مقایسه داستان فوق با جریان حدیبیه، به دست می‌آید که وجه مشابهت این دو رویداد تنها در انتخاب حیوان به عنوان ابزار اراده الهی است و جزئیات دو واقعه تفاوت‌های قابل توجهی دارند. بلعام به شدت با حیوان برخورد می‌کند و مورد مؤاخذه حق تعالی قرار می‌گیرد و ضمن اقرار به جهل، به گناه خود اعتراف می‌کند، اما پیامبر ﷺ با علم به این مطلب که حیوان مأمور رساندن پیامی از جانب خداوند است، از هرگونه برخورد خشونت‌آمیز خودداری می‌کند و تنها به بیان مقصود این رفتار برای اصحاب خود می‌پردازد. افزون بر آن در هر دو نقل مذکور، رسول خدا ﷺ توقف شتر را با اصحاب فیل مقایسه می‌نماید. از این رو لازم بود ونزیبرو برای اثبات اقتباس داستان اصحاب فیل نیز به شواهدی از عهدین استناد می‌کرد.

۲.۲.۳. تعیین حد مجازات زنا

۲.۲.۳.۱. بررسی گزارش مورد استناد ونزبرو در تعیین حد مجازات زنا

از نظر سندی تمامی این گزارش‌ها به جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عمر و براء بن عازب می‌رسند که به نقل از جابر و براء متفرد بوده و در طبقات تابعین، تبع تابعین و تبع تبع تابعین تنها یک نفر از یک نفر از یک نفر آن را گزارش کرده است، اما به نقل از ابن عمر از دو نفر از تابعین یعنی نافع و عبدالله بن دینار بازگو شده و در طبقه تبع تابعین و طبقات بعد رشد قابل ملاحظه‌ای یافته است.

از لحاظ محتوایی در جزئیات داستان تفاوت‌های ذیل دیده می‌شود:

۱. طبق یک نقل، یهود با دسیسه‌چینی مجازات زنا را از پیامبر ﷺ می‌پرسند تا از حکم رجم که در تورات ذکر شده بود، شانه خالی کنند، اما در نقل دیگر پیامبر ﷺ خود با یهودی زناکار مواجه می‌شود.

۲. بر اساس برخی گزارش‌ها پیامبر ﷺ سبب کتمان حکم رجم را از یهودیان جویا می‌شود و آنان به توضیح علت می‌پردازند، اما در شماری دیگر هیچ اشاره‌ای به سؤال آن حضرت ﷺ نشده است.

۳. در برخی نقل‌ها (جامع البیان، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل و سنن ابی داوود) از ابن صوری و در پاره‌ای دیگر (موطأ، صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن نسایی) از عبدالله بن سلام نام برده شده و در شماری دیگر بدون اشاره به اسم، تنها با لقب «رَجُلًا مِنْ عُلَمَائِهِمْ» از فرد یهودی یاد شده است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۵۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۸: ۸۸؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵ق، ج ۷: ۱۹۵؛ مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۱۳۲۷؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰: ۲۹۵؛ نسایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۱۱۹۶؛ ابی داوود، ۱۴۲۹ق، ج ۴: ۱۹۰۵؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۷۲) از این رو متن روایت مضطرب است.

در مجموع با آنکه نمی‌توان از ضعف‌های سندی و دلالی این گزارش چشم پوشید، اما به طور قطع نیز نمی‌توان اصل وقوع آن را زیر سؤال برد، گرچه احتمالاتی همچون تحقق یک یا چند رویداد مشابه و آمیختگی آن‌ها هنگام نقل یا درج افزوده‌هایی در هنگام گزارش آن (به منظور ترفیع جایگاه عبد الله بن سلام) بعید به نظر نمی‌آیند.

۲.۲.۳.۲. بررسی ادعای ونزبرو درباره ابطال شریعت موسوی توسط

عیسی علیه السلام و احیای آن توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله

اما عیسی به کوه زیتون رفت و بامدادان باز به هیکل آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته، ایشان را تعلیم می‌داد که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود، پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته، بدو گفتند، ای استاد،

این زن در حین عمل زنا گرفته شد؛ و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند. اما تو چه می‌گویی؟ و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند، اما عیسی سر به زیر افکنده، به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت و چون در سؤال کردن الحاح می‌نمودند، راست شده، بدیشان گفت: هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد. و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده، از مشایخ شروع کرده تا به آخر، یک‌یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید، بدو گفت: ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچ‌کس بر تو فتوا نداد؟ گفت، هیچ‌کس ای آقا. عیسی گفت، من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن. (یوحنا، ۱۱: ۸-۱)

این گزارش، گذشت عیسی ﷺ از مجازات زانی را نشان می‌دهد، اما خلاف ادعای ونزیبرو بر ابطال شریعت موسوی یا به طور کلی تجویز زنا از منظر عیسی ﷺ دلالت ندارد. زیرا ایشان در پاسخ به یهودیان که وی را با تعیین مجازات زن زانی آزمودند، اصل سنگسار را می‌پذیرد، اما اجرای آن را در این مورد خاص مشروط به پاکی از گناهان می‌کند و می‌گوید که هر کس گناه ندارد، اول بر زن سنگ اندازد. برای بررسی بیشتر در این باره کیفر زانی در عهدین و قرآن مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱. زنا در عهدین

زنا در عهد عتیق مورد نکوهش قرار گرفته (خروج، ۱۴: ۲۰؛ لایوان ۱۰: ۲۰؛ ۲۰: ۱۸) و در مواردی مجازات بسیار شدیدی را به همراه دارد. برای نمونه مجازات زنا میان زن شوهردار یا باکره ای که نامزد شده و مردی دیگر - خواه مجرد یا متأهل - که به خواست هر دو طرف صورت پذیرد، مرگ آن دو است. (تثنیه، ۲۲: ۲۲؛ تثنیه، ۲۴: ۲۲) اگر زن مجرد و ادار به چنین عملی شود، مرد سنگسار می‌شود (تثنیه، ۲۵: ۲۷-۲۲) اما اگر با میل خود به چنین عملی تن دهد هیچ یک کشته نمی‌شوند، بلکه مرد باید پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و چنان که دختر مایل باشد، همسر همیشگی او گردد. (تثنیه، ۲۹: ۲۲) مجازات رابطه نامشروع در موارد خاص، همچون سوختن در آتش برای زنا با دختر کاهن (لایوان، ۹: ۲۱) و برای زنی با مادر (لایوان، ۳۰: ۲۰)، قربانی کردن قوچ برای زنی با کنیزی که در تملک دیگری است (لایوان، ۲۰: ۱۹) از این قوانین کلی مستثنا می‌شود. نهی از «زنا» در فرازهای متعددی از عهد جدید (متی، ۱۹: ۱۸؛ مرقس، ۱۰: ۱۹؛ لوقا ۱۸: ۲۰؛ اعمال، ۱۵: ۲۰ و ۲۹: ۲۱؛ ۲۵: ۲۱؛ رومیان، ۱۳: ۹؛ ۱ قرنتیان، ۶: ۱۸؛ تسالوکیان، ۴: ۳؛ یعقوب، ۲: ۱۱) دیده می‌شود و گاه آن قدر شدید است که فکر زنا را نیز همچون ارتکاب آن تحریم می‌نماید. (متی، ۵: ۳۰-۲۷)

۲. زنا در قرآن و سنت

قرآن از زنا در ردیف شرک و قتل نام می‌برد (فرقان: ۶۸)، آن را «فاحشه» و «ساء سیبلا» می‌خواند (سجده: ۱۷) و کیفر دنیوی و اخروی آن را به ترتیب صد ضربه تازیانه (نور: ۲) و عذاب مضاعف خفت بار بر می‌شمرد (فرقان: ۶۸)، اما سنت با تبیین حکم قرآن، صد ضربه تازیانه را به زنا ی غیر محصنه اختصاص می‌دهد و رجم را مشروط بر شهادت چهار تن - برای زنا ی محصنه در نظر می‌گیرد (ر.ک: بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۰: ۲۸۲)

تطبیق و بررسی امکان اقتباس

گرچه مشابهت مجازات زنا به ویژه کیفر «سنگسار» میان اسلام و یهودیت انکارناپذیر است، اما این اشتراک در تمامی ابعاد دیده نمی‌شود، بلکه اموری چون سوزاندن، قربانی کردن قوچ، پرداخت پنجاه مثقال نقره تنها به عهد قدیم اختصاص دارد و تازیانه منحصر به قرآن است. از این رو فرض اقتباس با اشکالات جدی مواجه می‌شود.

۴.۲.۲. پرهیز پیامبر ﷺ از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها

۴.۲.۲.۱. بررسی ادعای ونزبرو درباره اقتباس خوراکی‌های حلال و حرام اسلامی از عهدین

پیش فرض ونزبرو در همسان پنداری و اقتباس خوراکی‌های حلال و حرام قرآنی از عهدین، مشابهت میان مواردی از احکام قربانی در اسلام با کتاب اعمال رسولان و نیز سفر لاویان است.^۱ برای ارزیابی ادعای وی، خوراکی‌های حلال و حرام در قرآن و عهدین مورد بحث قرار می‌گیرند.

یکم) خوراکی‌های حلال و حرام در عهد قدیم

در عهد عتیق حیواناتی نظیر بهایم شکافته سم و نشخوار کننده همچون گاو، گوسفند و بز، آهو، غزال، گور، بز کوهی، رییم، گاو دشتی، مهات جز شتر، و نَک، خرگوش، خوک، آبیان (دارای پر و فلس) و همه مرغان به جز عقاب، جغد، کرکس، شاهین، لاشخوار، کلاغ، شترمرغ، جغد، مرغ دریایی، باز، بوم، لک‌لک، قاز، مرغ ماهی‌خوار، مرغ سقا، خفاش، هدهد و... کوشر (مشابه اصطلاح اسلامی حلال) هستند و قربانی بت‌ها و حیواناتی همانند همه حشرات بالدار که بر چهارپا راه می‌روند (جز آن‌هایی که بر پاهای خود ساق‌هایی برای جستن بر زمین دارند همانند ملخ، دُبا، حَرَجَوان) و برخی از حشراتی که بر زمین می‌خزند نظیر موش کور، موش، سوسمار، دَله، وَرَل، چلپاسه، کرباسه و بوقلمون و... نباید

۱. «و بعد از این، ذبایح خود را برای دیوهایی که در عقب آن‌ها زنا می‌کنند دیگر ذبح نمایند. این برای

ایشان در پشت‌های ایشان فریضه دائمی خواهد بود.» (۱۷: ۷)

مورد استفاده خوراکی قرار گیرند؛ حتی لمس لاشه آنان سبب نجاست بدن یا اشیایی همانند تنور، اجاق، ظرف چوبی، لباس، چرم، جوال و... می‌گردد (لاویان، ۱۱: ۴۶-۲؛ تثنیه، ۱۴: ۱۴-۵) البته این قوانین تنها به بنی اسرائیل (که قوم برگزیده خداوند هستند) اختصاص دارد و دادن یا فروش موارد غیر کوشر به افراد غریبه یا اجنبی بلا مانع است. احکام خوراکی‌ها به طور عمده در سفر لاویان و سفر تثنیه دیده می‌شود.

دوم) خوراکی‌های حلال و حرام در عهد جدید

در عهد جدید قربانی‌ها، حیوانات خفه شده و خون، خوراکی‌هایی هستند که باید از مصرف آن‌ها پرهیز شود (مرقس ۲۳: ۱۴-۷؛ قرتیان: ۸؛ اعمال رسولان، ۱۵: ۲۰، اعمال رسولان، ۱۵: ۲۹-۲۸)

مطلب قابل توجه این است که عهد جدید درباره خوراکی‌های حرام دو گونه سخن می‌گوید، زیرا فرازهای اعمال رسولان (۱۵: ۲۰ و ۱۸-۲۹) بر پرهیز از خوردن قربانی‌ها اصرار می‌ورزند، اما فرازهای متی (۱۰: ۲۰-۱۵)، مرقس (۷: ۲۳-۱۴) و اول قرتیان (۸) مطلق غذاها را حلال و پاک برمی‌شمردند و منع خوردن گوشت قربانی شده برای بت‌ها را مقید به زمانی می‌کنند که سبب لغزش و انحراف مسیحیان ضعیف‌الایمان شود.

سوم) خوراکی‌های حلال و حرام در قرآن

شراب، قمار، مردار، خون ریخته شده، گوشت خوک، حیوانی که در اثر زجر (ضربه سنگ و چوب) یا شاخ حیوانی دیگر یا سقوط از بلندی یا خفگی مرده یا از صید حیوانی دیگر باقی مانده (جز در مواردی که بتوان با نام خدا آن را ذبح کرد) و حیوانی که با نام غیر خدا یا در برابر بت‌ها ذبح شده (قربانی بت‌ها)، خوراکی‌های حرام قرآنی‌اند. احکام مربوط به خوراکی‌ها بیشتر در سوره‌های بقره، مائده (۵: ۳)، انعام (۶: ۱۴۵-۱۲۱) و نحل (۱۶: ۱۱۵) دیده می‌شود.

گزارش پرهیز پیامبر ﷺ قبل از بعثت، از خوردن قربانی بت‌ها^۱ نیز به نهدی از خوردن «ما ذبح علی‌النصب» اشاره دارد.

۱. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ لَقِيَ زَيْدَ بْنِ عَمْرٍو وَبْنِ نَفِيلٍ بِأَسْفَلِ بَلَدِ حِمْيَرَ، وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُنَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْوَحْيُ، فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَفْرَةَ لَحْمٍ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا، وَقَالَ: إِنِّي لَأَأْكُلُ مِمَّا تَدْبَحُونَ عَلَى أَنْصَابِكُمْ وَكَمَا أَكَلُ إِلَّا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج: ۹؛ ۴۵۱؛ ج: ۱۰؛ ۲۶۹؛ نسائی، بی‌تا،

۲.۲.۴.۲. تطبیق و بررسی امکان اقتباس

۱. نهی از خوردن قربانی بت‌ها، حیوانات خفه‌شده و خون، میان قرآن و عهدین مشترک است و اگر این اشتراک بنا بر نظر ونزبرو به معنای اقتباس باشد، می‌بایست اقتباس عهد جدید از عهد قدیم مطرح شود.

۲. گرچه قرآن به تفصیل تورات، جزئیات خوراکی‌های حلال و حرام را بیان نکرده است، اما مقایسه شریعت اسلام با عهد عتیق وجوه گسترده اشتراک را نشان می‌دهد، گرچه تفاوت‌ها را نیز نمی‌توان انکار نمود. برای نمونه حرمت شتر، شترمرغ و بوقلمون مختص به یهود است.

۳. قرآن یکی از غایات نبوت رسول اکرم ﷺ را بیان حلیت خوراکی‌های تحریم شده بر اقوام پیشین می‌داند (آل عمران: ۵۰؛ اعراف: ۱۵۷) و تحریم حیوان ناخن‌دار، پیه گاو و گوسفند (جز چربی‌های پشت یا روده‌های آنان یا آمیخته و مخلوط با استخوان آن‌ها را به سبب ظلم، بازداشتن از راه خدا، ربا و خوردن نامشروع اموال مردم به یهود اختصاص می‌دهد و خوراکی‌های مذکور را برای مسلمانان حلال می‌شمرد. (انعام: ۱۴۶) در حالی که ونزبرو هیچ اشاره‌ای به این هدف نبوت و تحلیل برخی از خوراکی‌های حرام بر یهود در قرآن نکرده است.

۲.۲.۴.۳. بررسی ادعای ونزبرو درباره اقتباس خوراکی‌های حلال و حرام اسلامی از فرهنگ جاهلی

اشاره قرآن به اعمال عرب جاهلی برای تعدیل و اصلاح، نه تنها در قوانین مربوط به خوراکی‌های حلال و حرام،^۱ بلکه در موارد دیگری چون احکام حج و چگونگی طواف (بقره: ۱۸۹، ۲۰۰ و ۲۰۳؛ انفال: ۳۵)، ماه‌های حرام (توبه: ۳۷)، نحوه برخورد با دختران (انفال: ۸۱)، تعداد همسران (نساء: ۳) و... نیز دیده می‌شود، اما نمی‌توان این امر را به معنی اقتباس یا تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ جاهلی و انقیاد در برابر آن دانست، زیرا در کنار تأیید پاره‌ای از عقاید، آداب و اخلاق مردم عصر نزول - مانند اعتقاد به خالق یکتا، ختنه و... - با رسوم آنان مبارزه می‌کند.

برای نمونه در باب خوراکی‌های جاهلی افزون بر تحریم موارد مذکور در قسمت قبل، برخی از خوراکی‌های حرام از منظر مشرکان نظیر برخی از چهار پایان یا بعضی از محصولات زراعی را به سبب اختصاص آن‌ها به سهم خدا و بتان (انعام: ۱۵۲-۱۳۸) نیز

۱. برای نمونه آیه «وَأَجَلَتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ». (حج: ۳۰)

حلال می‌خواند و تحریم خودسرانه برخی خوراکی‌ها و انتساب آن‌ها به خداوند (یونس: ۵۹) را باطل می‌سازد.

این امر خلاف ادعای ونزبرو درباره بازتاب فرهنگ اعراب بت‌پرست در احکام مربوط به خوراکی‌های حلال و حرام قرآنی را اثبات می‌نماید.

۳. رؤیت فرخنده

۳.۱. بیان دیدگاه ونزبرو

رویت فرخنده، تلقی‌های گسترده و متناقضی را در آیات مربوط به آن (مانند نجم: ۱۸- ۱۱، تکویر: ۲۵-۱۹ و فتح: ۲۷) به وجود آورده است. این آیات، اغلب در مباحثی مورد استناد قرار می‌گیرند که به جای تجربه پیامبرانه محمد ﷺ به امکان یا عدم امکان رؤیت خداوند و زمان وقوع آن (زمانی که مؤمن می‌تواند انتظار این امر را داشته باشد) می‌پردازند. رؤیت فرخنده با یکی دیگر از نشانگان نبوت یعنی معراج پیوند می‌خورد. (Wansbrough, ۱۹۹۷, p ۶۶)

۳.۲. ارزیابی

ونزبرو با پیوند میان رؤیت و معراج، رؤیت را به عنوان نشانه دیگر نبوت برمی‌شمرد. گرچه وی به صراحت درباره چگونگی ارتباط میان این دو نشانه سخن نمی‌گوید، اما به نظر می‌رسد بحث بر سر رؤیت یا عدم رؤیت خداوند در شب معراج را منشأ این امر می‌داند. وی رؤیت حق تعالی را با آیات مذکور ارتباط می‌دهد و به وجود تلقی‌های گسترده و متناقض فرق اسلامی درباره آن اشاره می‌کند. از این رو باید بررسی کرد برداشت وی از این آیات و ارتباط آن‌ها با مسئله رؤیت تا چه اندازه واقع‌بینانه است.

۳.۲.۱. آیات مورد استناد ونزبرو

۱. مراد از آیات ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ * وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ * وَقَدْ رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ * وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ * وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ (تکویر: ۲۵-۱۹) رؤیت جبرئیل در افق مبین (افق اعلی یا محل طلوع خورشید) خواه در قالب اصلی و خواه در صورت تمثیل یافته‌اش است. (طبری، همان، ج ۳۰: ۵۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۵۹)

۲. آیه ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَبَجَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا

قَرِيبًا ﴿. (فتح: ۲۷) تحقق رؤیای رسول خدا ﷺ در ورود امن مسلمانان به مسجد الحرام را نشان می‌دهد. (طباطبایی، همان، ج ۱۸: ۴۳۴)

۳. آیات ﴿ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ﴾ * اَفْتَمَارُونَهُ عَلٰی مَا يَرٰى * وَاَلْقَدْرَ رَاَهُ نَزْلَةً اٰخْرٰى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوٰى * اِذْ يُغَشٰى السِّدْرَةَ مَا يُغَشٰى * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغٰى * لَقَدْ رَاٰى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى ﴿. (نجم: ۱۸-۱۱) تصدیق خداوند یا پیامبر ﷺ یا قلب ایشان نسبت به حق تعالی (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷: ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۳۸۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸: ۲۴۱) یا جبرئیل (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷: ۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۳۸۶) یا ملکوت الهی و نشانه‌های قدرت‌های او (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳: ۳۸۶) یا آیات الهی چون افق اعلی و دنو و تدلی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۴۵) را بیان می‌کند که بنا بر تفاسیر عامل رؤیت، قلب (طباطبایی، همان؛ طبری، همان) یا چشم (طبرسی، همان؛ طبری، همان؛ همان؛ زمخشری، همان) آن حضرت ﷺ بوده است.

۳.۲.۲. بررسی رؤیت خداوند در آیات مورد بحث

آیات اول و دوم، خلاف مدعای ونزبرو ارتباطی با رؤیت حق تعالی ندارند. در آیه سوم نیز که تنها بنا به یک دیدگاه تفسیری بر این امر دلالت دارد، اتفاق نظر درباره کیفیت رؤیت خداوند (بنا به تفاوت عقاید فرق اسلامی) دیده نمی‌شود، زیرا گروهی آن را به ادراک شهودی نفس (ورای ادراک حواس ظاهری یا باطنی) (اشعری، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۱۷۲؛ علامه حلی، ۱۳۸۲: ۴۶؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق: ۱۶۶) و گروهی دیگر به دیدن با چشم (آمدی، ۱۴۱۳ق: ۱۴۲؛ اشعری، ۱۳۹۷ق: ۵۱؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۱۳؛ فخر رازی، ۱۹۸۶م، ج ۱: ۲۶۶؛ دارقطنی، ۱۴۳۴: ۳۷-۳۵) تفسیر کرده‌اند. از این رو ادعای ونزبرو درباره وجود تلقی‌های گسترده در این آیه را می‌توان پذیرفت.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی دو نشانه آغاز نبوت از دیدگاه ونزبرو یعنی رؤیت حق تعالی و معراج پرداخته است و به تبع آن، نمونه‌هایی از اخبار غیبی از جمله تحقق پیش‌بینی، اخبار از انتصاب حیوان به عنوان عامل الهی، تعیین حد مجازات زنا و پرهیز از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها را ارزیابی نمود. از مجموع این بررسی‌ها نتایج ذیل حاصل آمد:

۱. اقتباس عبارات «أسرى بعبده ليلًا» و «من المسجد الحرام إلى المسجد الاقصی» را از عهد عتیق نمی‌توان پذیرفت، زیرا خروج موسی ﷺ با معراج پیامبر ﷺ در دو عنصر

«ایزار» و «غایت» کاملاً متفاوت‌اند. همچنین ماهیت و کیفیت انتقال، هدف، مبدأ، مقصد و مشاهدات صورت گرفته ارمیا، حزقیال و پولس با حضرت محمد ﷺ تمایز قابل توجهی دارند. بررسی سندی و دلالتی روایت «لاتشد الرحال الا الی ثلاثه مساجد»، نقش مؤید آن بر جایگاه مسجدالاقصی در سنت اسلامی را با چالش مواجه می‌سازد.

۲. بررسی نقل‌های مربوط به داستان پیش‌بینی جزئیات شتر مقدم کاروان قریش و زمان رسیدن‌شان به مکه و تطبیق آن با گزاره‌های عهد عتیق، وجوه تمایز را نشان می‌دهد و ادعای اقتباس را باطل می‌سازد.

۳. بررسی گزارش‌های مربوط به درون‌مایه انتخاب حیوان به عامل الهی در جریان توقف و عبور دشوار شتر از اطراف حرم مکه در حدیبیه از سیره ابن‌هشام و مغازی ابن‌اسحاق و مقایسه آن‌ها با فرازهای مورد استناد ونزبرو از سفر اعداد تفاوت‌های قابل توجهی جزئیات دو واقعه را مشخص می‌سازد.

۴. بررسی گزارش‌های مربوط به درون‌مایه مجازات زانی نشان می‌دهد که نمی‌توان از ضعف‌های سندی و دلالتی این داستان چشم پوشید، اما به طور قطع نیز نمی‌توان اصل وقوع آن را زیر سؤال برد. ادعای ونزبرو درباره ابطال شریعت موسوی توسط عیسی ﷺ و احیای آن به واسطه حضرت محمد ﷺ براساس تبیین گزارش مواجهه عیسی ﷺ با زن زناکار و نیز تطبیق حد مجازات «زنا» در قرآن و عهدین به دست می‌دهد که مشابهت مجازات زنا به ویژه کیفر «سنگسار» میان اسلام و یهودیت انکارناپذیر است، اما این اشتراک در تمامی ابعاد دیده نمی‌شود، بلکه اموری چون سوزاندن، قربانی کردن قوچ و پرداخت پنجاه مثقال نقره تنها به عهد قدیم اختصاص دارد و تازیانه منحصر به قرآن است.

۵. بررسی درون‌مایه پرهیز پیامبر ﷺ از خوردن غذای قربانی شده برای بت‌ها و به طور ویژه، فرضیه ونزبرو درباره اقتباس خوراکی‌های حلال و حرام از عهدین بر اساس مقایسه شریعت اسلام با عهد عتیق وجوه گسترده اشتراک را به دست می‌دهد، گرچه تفاوت‌ها را نیز نمی‌توان انکار نمود. ضمن آنکه حلیت پاره‌ای از خوراکی‌های تحریم شده بر اقوام پیشین همچون یهود از غایاتی است که قرآن برای نبوت پیامبر ﷺ یاد می‌کند. ۶. نظرداشتن قرآن به اعمال عرب جاهلی برای تعدیل و اصلاح، به معنای اقتباس یا تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ جاهلی و انقیاد در برابر آن نیست. ضمن اینکه تحریم برخی خوراکی‌های مجاز و حلال نمودن شماری از خوراکی‌های حرام از منظر مشرکان در قرآن مؤید دیگری در ابطال اقتباس است.

۷. آیاتی که ونزبرو مرتبط با رویت فرخنده می‌داند جز یک آیه، ارتباطی با رویت ندارند که آن آیه نیز بنا بر یک دیدگاه تفسیری بر این امر دلالت دارد و ذیل این آیه در تفاسیر اتفاق نظر درباره کیفیت رویت خداوند دیده نمی‌شود.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- کتاب مقدس (ترجمه قدیم، انتشارات ایلام)
- آلتی قولاج، طیار (۱۴۳۲ق)، *المصحف الشريف المنسوب الى علي بن ابي طالب عليه السلام*، استانبول [بی‌نا].
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۲۷۰ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، بیروت: مؤسسة الرساله.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، *سنن ابن ماجه*، بیروت: دار الجیل.
- ابن میثم بحرانی (۱۴۰۶ق)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم، [بی‌نا].
- ابن هشام، عبد الملک (بی‌تا)، *السیرة النبویه*، بیروت: دار المعرفه.
- ارزقی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۶ق) *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، بیروت: دار الاندلس.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، *سنن أبی داود*، قاهره: دار الحدیث.
- ایجی، میر سید شریف (۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، قم: [بی‌نا].
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، *صحیح البخاری*، قاهره: وزارة الاوقاف.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، *الجامع الصحیح*، قاهره: دار الحدیث.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۷ق)، *شرح العقائد النسفیة*، قاهره، [بی‌نا].

- _____ (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم، [بی‌نا].
- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله (بی‌تا)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفة.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۴۲۱ق) مسند الدارمی المعروف بسند الدارمی، ریاض: دار المغنی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
- سید مرتضی (۱۲۵۰ق)، تنزیه الأنبیاء، قم، [بی‌نا].
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم، [بی‌نا].
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، [بی‌نا].
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۲۴ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- علامه حلی (۱۳۶۳)، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، قم، [بی‌نا].

- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد (بی تا)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: الإسلامیه.
- مالک بن انس (۱۴۲۵ق)، *موطأ الإمام مالک*، ابوظبی: مؤسسة زاید بن سلطان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، [بی نا].
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: کوشانبر.
- مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)، *صحیح مسلم*، قاهره: دار الحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۲ق)، *المجتبی من السنن*، عمان: بیت الأفكار الدولیه.

- Wansbrough, John, (۱۹۷۷) *Quranic studies: sources and methods of scriptural interpretation*, oxford, Oxford University press